

آیت‌الله‌العظمی‌جوادی‌آملی:

صیانت از وحدت ملی
مهم ترین وظیفه کنونی جامعه است

مرجع تقلید شیعیان با تأکید بر اینکه صیانت از وحدت ملی مهم‌ترین وظیفه کنونی جامعه اسلامی است، هشدار داد: در مواجهه با جریانی که صیح توافق را امضا و عصر آن را پاره می‌کند، باید نهایت هوشیاری را داشت. جمعی از ائمه جمعه و جماعات استان تهران با حضور در بیت آیت‌الله‌العظمی عبدالله جوادی‌آملی، با ایشان دیدار و گفت‌وگو کردند. مرجع شیعیان در آغاز سخنان خود،ضمن گرامیداشت و تکریم‌مقام‌شامخ شهدا به‌ویژه رهبر شهید امت و دیگر شهدای اخیر، از خداوند متعال مسالت کرد آنها را با شهدای کربلا محشور فرماید آیت‌الله‌جوادی‌آملی انتخاب حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای را «صالح بعد صالح» دانست و تأکید کرد: رهبری که امروز عهده‌دار این مسؤولیت شده، ادامه‌دهنده راه، اندیشه و آرمان‌های رهبر شهید است، لذا همان‌طور که حمایت و صیانت از رهبر شهید وظیفه همگان بود، امروز نیز تأیید و حفظ این بزرگوار وظیفه ماست. ایشان با تأکید بر اینکه مهم‌ترین وظیفه جامعه اسلامی در شرایط کنونی، صیانت از وحدت ملی است، اظهار کرد: باید اتحاد ما محکم‌تر شود، حفظ اتحاد و انسجام جامعه، کار آسانی نیست و نیازمند شناخت دقیق افکار، جریان‌ها، اقوام و انگیزه‌های پنهان است تا خدای ناکرده زیر پوشش مصلحت و خیرخواهی، سخنی مطرح نشود که به این وحدت و به جایگاه رهبری آسیب بزندوی افزود: تکریم رهبر شهید و دیگر خدمتگزاران بزرگوار، تنها به دعا و طلب مغفرت محدود نمی‌شود، بلکه احترام حقیقی آن است که راه، سیره، اندیشه، آرمان‌ها و رهنمودهای آنها در جامعه استمرار یابد و به صورت عملی تحقق پیدا کند.

گزارش

درباره پرونده اِپستین، حمله به مدرسه میناب و بیمارستان شهید بقایی اهواز

ترامپ: از تجاوز به کودکان تا کشتن آنها

گروه سیاسی: حمله ارتش متجاوز آمریکا به نزدیکی بیمارستان شهید بقایی اهواز که محل درمان و نگهداری کودکان سرطانی است، تصویر جدیدی از خوی جنایتکارانه رژیم آمریکا را بر معرض دید قرار داد. تصاویر منتشرشده درباره تخلیه کودکان بیمار سرطانی از این بیمارستان، همین‌طور روایت مادران این کودکان از لحظه انفجار و دلهره و وحشتی که به جان این کودکان و مظلوم و معصوم اطفال قلب هر انسانی را از زرده می‌کند. جنگ علیه کودکان، بالاترین سطح از جنایت و وحشی‌گری است. در همه جای دنیا بر اساس قوانین بین‌المللی مربوط به جنگ و اصول بنیادین اخلاقی، کودکان باید در مصونیت کامل قرار داشته باشند اما پس از جنایت غیرانسانی رژیم صهیونیستی علیه کودکان غزه و لبنان، حال‌ارتش جنایتکار آمریکا پس از ارتکاب جنایت بی‌سابقه مدرسه شجره میناب، با اقدامی که علیه کودکان سرطانی بیمارستان شهید بقایی اهواز انجام داد، نشان داد که کودکان کشی و جنایت علیه کودکان، دست‌کمی از رژیم صهیونیستی ندارد. در این بین یک نکته مهم و تأمل برانگیز وجود دارد و آن ارتباط جنایت جنگی آمریکا علیه کودکان و روشی و شخصیت خود ترامپ است. اکنون در آمریکا تقریباً مسجل شده بخشی از اسناد پرونده فساد جغرفی اِپستین، مربوط به فساد شخصی دونالد ترامپ است، به گونه‌ای که بسیاری از مقامات آمریکا معتقدند حمله آمریکا به ایران به این خاطر است که اسناد فساد او در اختیار موساد است و نتانیاهو از طریق این اسناد، ترامپ را وادار کرد جنگ علیه ایران را آغاز کند. حتی سرشناس ترین طرفداران ترامپ در جنبش ماگما معتقدند حمله آمریکا به ایران، به خاطر اخاذی موساد از ترامپ در پرونده اِپستین شروع شد. از جمله تآکر کالسون برای نخستین‌بار این موضوع را مطرح کرد که اِپستین برای موساد کار می‌کرد. آنتونی بلینکن، وزیر سابق خارجه آمریکا نیز جندی پیش در یک مصاحبه تلویزیونی صراحتاً گفت دلیل حمله‌احمقانه ترامپ به ایران این است که موساد نوارهای فساد ترامپ در پرونده اِپستین را ز اختیار دارد. از همه اینها مهم‌تر، جی‌دی وینس، معاون ترامپ روز پنجشنبه در اظهاراتی بسیار مهم گفت جغرفی اِپستین با موساد و دولت پنهان در آمریکا (لایه صهیونیستی) در ارتباط بوده است. اظهار نظر ونس، در واقع به صورت غیر مستقیم ماجرای اخاذی موساد از ترامپ بر اسناد اِپستین را مورد اشاره قرار داد. اما سوال مهمی که در این باره وجود دارد این است که محتوای اسناد یا نوارهای فساد ترامپ چیست که او برای جلوگیری از انتشار آنها مجبور شده وارد جنگی بی‌سرنجام با آمریکا شود؟ بر اساس اعلام منابع موثق می‌توان گفت که تاکنون منتشر شده، یکی از نوارها درباره تجاوز جنسی ترامپ به یک دختر بچه ۵-۶ ساله است. این موضوع در محافل و کنپروهای قدرت در آمریکا بارها تکرار شده، به گونه‌ای که اکنون بسیاری در آمریکا معتقدند مهم‌ترین فایل مربوط به فساد ترامپ، همین ماجرای تجاوز جنسی‌اش به یک دختر بچه ۵-۶ ساله است. تجاوز به یک کودک، به وضوح شخصیت بیمار، آزارگر و ضد انسانی ترامپ را نشان می‌دهد. به همین خاطر از یک چنین بیماری برمی‌آید در همان دقایق ابتدایی حمله به ایران، ۳۰ موشک، بیش از ۱۵۰ کودک مدرسه شجره طیبه میناب را به خاک و خون بکشد. یک چنین حیوانی می‌تواند دستور بدهد به چند متری بیمارستان محل نگهداری کودکان سرطانی حمله شود. چنین حیوانی دستور می‌دهد بمب‌های تازم ساخت آمریکا برای اولین‌بار روی زنان و کودکان و مردم مظلوم لامرد امتحان شود. بنابراین اکنون مردم ایران، با تجاوز چنین حیوانی مواجهند؛ حیوانی که برای شکست و رام کردن آن، فقط و فقط باید ایستاد، مقاومت کرد، مقابله کرد و او را سر جایش نشاند. از همه مهم‌تر، کشتن چنین حیوانی، صرفاً قصاص قاتل رهبر شهید و دیگر شهیدان ایرانی جنگ‌های ۱۲ و ۴۰ روزه نیست. قتل ترامپ، انتقام کودکان جهان از یک جنایتکار و متجاوز جنسی است. با کشتن ترامپ، قطعاً زمین نسبت به گذشته جان می‌تری برای همه، بوژه کودکان خواهد بود.



اراده‌ها بر سر تنگه هرمز تبدیل شده است.

در طول هفته گذشته و حتی روزهای پیش از آن، آمریکا با نقض آشکار و مکرر تعهدات خود در چارچوب تفاهمنامه اسلام‌آباد، مناطق و مراکز نظامی و غیرنظامی متعددی را در استان‌های جنوب ایران مورد حمله قرار داد. این حملات شامل بمباران پایگاه‌های ساحلی نیروهای مسلح، تأسیسات پشتیبانی لجستیکی، مراکز نظامی و نقاط غیرنظامی در استان‌های بوشهر، هرمزگان، خوزستان و حتی ایلام بوده است. واشنگتن با این اقدامات تجاوزکارانه به دنبال تضعیف توان دفاعی ایران در کنترل تنگه هرمز، قطع مسیرهای تدارکاتی و ایجاد اختلال گسترده در لجستیک و پشتیبانی نیروهای مسلح کشورمان است. این حملات، به عنوان بخشی از استراتژی کلی آمریکا برای بازپس‌گیری ابتکار عمل تنگه هرمز و تحت فشار قرار دادن ایران قابل ارزیابی است.

در روزهای اخیر، به‌ویژه شامگاه پنجشنبه، آمریکا علاوه بر از سرگیری دوباره محاصره دریایی ایران، پل‌های مواصلاتی کلیدی جنوب کشور را هدف قرار داد و با هر حمله، شدت و گستردگی عملیات خود را افزایش داد. این حملات به پل‌ها، جنبه نظامی-لجستیکی دارد و به دنبال مسدود کردن مسیرهای ارتباطی به بندرعباس و مناطق ساحلی است تا ایران را در اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز تحت فشار شدید قرار دهد.

روزنامه وال‌استریت ژورنال در تازه‌ترین گزارش خود به صراحت اشاره کرد آمریکا پل‌های ایران را هدف قرار می‌دهد تا مسیرهای تدارکاتی به بندرعباس را مسدود و بدین ترتیب کنترل ایران بر تنگه هرمز را تضعیف کند. رسانه آمریکایی تأیید کرد استراتژی آمریکا فراتر از حملات مستقیم نظامی، به دنبال فلج کردن زیرساخت‌های لجستیکی و اقتصادی ایران است که نشان‌دهنده برنامه‌ریزی واشنگتن برای ادامه جنگ است.

حملات به پل‌ها و مراکز غیرنظامی، از جمله حمله جنایتکارانه و وحشیانه به محوطه بیمارستان درمان سرطان کودکان شهید بقایی در اهواز، جدا از حملات ارتش آمریکا به مراکز و پایگاه‌های نظامی در سواحل جنوب بوده است.

بنا بر اعلام حسین کرمان‌پور، سخنگوی وزارت بهداشت، در نتیجه حملات تجاوزکارانه آمریکا تاکنون بیش از ۳۸ تن از افراد غیرنظامی شهید و بیش از ۴۰۰ نفر زخمی شده‌اند.

■ **پاسخ مرحله‌ای نیروهای مسلح ایران به تجاوزات آمریکا**

در همین حال، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با حملات خود به پایگاه‌ها و تأسیسات آمریکا در منطقه، مقابله به مثل کرد. عملیات «عصر ۲» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در موج‌های هشتم تا شانزدهم و عملیات «هاغه» ارتش جمهوری اسلامی ایران در مراکز زاهدیم و دوازدهم که در روزهای پنجشنبه و جمعه انجام شد، ضربات سنگینی به لجستیک، فرماندهی، پشتیبانی و ارتباطات ارتش تروریست آمریکا در منطقه وارد کرد.

این حملات شامل هدف قرار دادن رادارهای پیش‌هشدار C-RAM در کویت، بمب نگهداری جگنده‌ها و مرکز فرماندهی در پایگاه الازرق اردن با موشک‌های بالستیک خیرشکن، مرکز ارتباطات ماهواره‌ای و اسکله نظامیان در شعبیه کویت، رادار کشف و کنترل هوایی و ایستگاه پمپاژ سوخت در پایگاه نیروی عیسیی در بحرین، مرکز فرماندهی عملیات ویژه در تفت سوره، انبارهای تسلیحاتی و سکوهای های‌مارس، رادارهای کنترل دریایی در عمان، جنگنده‌ها و سوخت‌رسان‌های آمریکایی در اردن، پایگاه هوایی العديد قطر و مراکز لجستیکی در بحرین و کویت بوده است. نیروی زمینی سپاه نیز در موج پانزدهم، هواک‌های تجزیه‌طلب و نیروهای ویژه آمریکایی را هدف قرار داد و تلفات سنگینی به آنها وارد کرد. گروهک تروریست کومله تأیید کرد در پی حملات ایران، ۹ نفر از تروریست‌های تجزیه‌طلب به هلاکت رسیده و تعدادی دیگر نیز زخمی شدند.

■ **پروژه تطهیر آمریکا در داخل کشور**

همزمان با حملات تجاوزکارانه آمریکا که با اعلام رسمی

معادله موثر در پاسخ به تجاوزات نظامی و محاصره دریایی آمریکا علیه کشورمان چیست؟

مثلثات آتش



سردار موسوی: شلیک‌های مؤثر و هدفمند ما تا بازگشت آرامش ادامه دارد

سردار «سیدمجید موسوی» فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ویراستی نوشت: «در نظام محاسباتی ما خاک، خاک است، تهران تا جنوب یکپارچه برای ایران است. شلیک‌های مؤثر و هدفمند ما از سراسر ایران بر سر دشمن تا برگشت آرامش به خط ساحلی جنوب و تنگه هرمز ادامه خواهد یافت.»

روایت تحریفشده‌ای نمی‌تواند این واقعیت آشکار را تغییر دهد. ■ **کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس؛ مبدا تجاوزات و ضرورت پایان خویشتن‌داری**

کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، بر خلاف اصول حسن همجواری و همسایگی، به مبدا اصلی حملات تجاوزکارانه آمریکا به ایران تبدیل شده‌اند. خاک کویت، بحرین، اردن، قطر و لجستیک عربستان و امارات، به‌طور مستقیم در خدمت تجاوز به ایران قرار گرفته است.

با وجود این واقعیت تلخ، جمهوری اسلامی ایران تاکنون خویشتن‌داری قابل توجهی نشان داده است اما به نظر می‌رسد این خویشتن‌داری دیگر توجیه‌پذیر نیست و احتمالاً به‌زودی کنار گذاشته شود. ادامه میزبانی از پایگاه‌های تروریستی آمریکا و اجازه استفاده از خاک شبه‌کشورهایی مثل کویت، بحرین و قطر برای حمله به ایران، ابداً قابل اغماض نیست. همچنین باید توجه داشت لجستیک ارتش تروریست آمریکا در عربستان و امارات نیز همچنان فعال است و نمی‌توان آن را هم یادیده گرفت.

■ **لزوم تغییر معادلات و گسترش جبهه پاسخ**

در صورت ادامه و تشدید تجاوزات آمریکا به ایران و حمله به زیرساخت‌های حیاتی مرتبط با زندگی مردم، ایران همان‌طور که قرارگاه مرکزی خاتمالانبیا وعده داده، معادلات نبرد را تغییر خواهد داد. تغییر معادله به معنای گسترش پاسخ به تمام نقاطی است که آمریکا و همپیمانانش از آنها برای ضربه زدن به ایران استفاده می‌کنند. این تغییر باید هوشمندانه، متناسب و قاطع باشد تا هزینه ادامه ماجراجویی را برای ترامپ و رژیم تروریست آمریکا و در وهله بعد برای همپیمانان منطقه‌ای واشنگتن غیرقابل تحمل کند.

به‌خصوص آنکه بنا بر اعلام پایگاه خبری آکسیوس به نقل از مقامات آمریکایی، ترامپ ممکن است در روزهای آینده دستور تشدید حملات به ایران را صادر کند، در همین راستا واشنگتن، رژیم صهیونیستی را از احتمال استقرار هواپیماهای سوخت‌رسان بیشتر در فرودگان بن‌گورین مطلع کرده است.

ترامپ مبنی بر منقضی شدن و بی‌اعتبار بودن تفاهمنامه آغاز شد، به نظر می‌رسد یک پروژه هماهنگ و سازمان‌یافته تطهیر آمریکا در داخل کشور در جریان است. عده‌ای در داخل ایران که مشخصاً از سیا و موساد خط می‌گیرند، با دروغ‌پرانی گسترده و هماهنگ تلاش دارند بگویند «ایران آتش‌پس نخواست»، «تفاهمنامه را نقض کرد» و «جنگ را شروع کرد» تا آمریکا را تیره کند و مسؤولیت کامل جنگ جدیدی که ترامپ به راه انداخته را بر دوش جمهوری اسلامی بگذارند. این پروژه، نه یک عملیات رسانه‌ای ساده، بلکه بخشی از جنگ شناختی و روانی دشمن برای ایجاد شکاف داخلی، تضعیف روحیه ملی و مشروعیت‌زدایی از دفاع مقدس ایران است.

البته ناگفته نماند در این پروژه ششوم، جریان موسوم به اصلاحات به عنوان اصلی‌ترین جریان غرب‌گرای داخل کشور، عملاً به خط مقدم این عملیات رسانده‌ای تبدیل شده است. افراد و رسانه‌های رسمی و غیررسمی وابسته به این جریان، در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با هماهنگی قابل توجه، روایت آمریکا را تکرار می‌کنند، جمهوری اسلامی را مقصر جلوه می‌دهند، تصمیمات دفاعی کشور را تخطئه می‌کنند و به‌طور مشخص به دنبال ایجاد شک و تردید در افکار عمومی ایران نسبت به لزوم دفاع از کشور هستند.

چه آنکه محمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات در اظهارات جدید خود، بدون آنکه اشار‌ای به آغاز جنگ جدید آمریکا علیه ایران داشته باشد، از اقدامات دفاعی ایران در برابر حملات تجاوزکارانه ایالات متحده انتقاد کرده و مردمی را که مثل رهبر انقلاب خواهان انتقام از عاملان شهادت رهبر شهید انقلاب هستند، همسو با رژیم صهیونیستی خوانده است!

این در حالی است که سیاهه نقض تفاهمنامه اسلام‌آباد توسط آمریکا کاملاً روشن، مستند و غیرقابل انکار است که از همان ابتدا با عمل نکردن به تعهدات آغاز شد، سپس به تلاش برای ایجاد مسیر موازی در تنگه هرمز رسید، به محاصره دریایی منجر شد و در نهایت به حملات مستقیم و تجاوزکارانه به خاک ایران و حتی مراکز غیرنظامی مانند بیمارستان کودکان انجالمید هیچ

تحلیلی درباره پیام‌های نظامی، سیاسی و منطقه‌ای حمله ایران به پایگاه نظامی آمریکا در سوریه

بمپور، تنف و بازدارندگی متقابل

در جوامعی که احساس می‌کنند مورد تجاوز خارجی قرار گرفته‌اند، افزایش تلفات غیرمنظره نه‌تنها موجب فروپاشی اراده مقاومت نمی‌شود، بلکه به تقویت حس همبستگی و انسجام ملی منجر می‌شود. به نظر می‌رسد واکنش سریع ایران و نامگذاری عملیات انتقامی به نام سربازان شهید بمپور نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی باشد؛ اقدامی که تلاش داشت شهادت این نیروها را به نمدادی از مقاومت و ایستادگی تبدیل کند.

■ **چرا پایگاه آمریکایی تفت؟**

در این میان، انتخاب پایگاه تفت به عنوان هدف حمله، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تفت در جنوب شرق سوریه و نزدیک مرزهای عراق و اردن قرار دارد و یکی از مهم‌ترین مراکز استقرار تروریست‌های ارتش آمریکا در منطقه به شمار می‌رود. این پایگاه طی سال‌های اخیر نقش مهمی در عملیات‌های اطلاعاتی، شناسایی، پشتیبانی لجستیکی و هماهنگی فعالیت‌های نظامی آمریکا در منطقه شامات ایفا کرده است. موقعیت جغرافیایی ویژه آن نیز امکان نظارت بر بخش مهمی از مسیرهای ارتباطی میان سوریه و عراق را فراهم می‌کند. بر اساس بیانیه منتشرشده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ایران در این حمله علاوه بر اهداف یک سامانه راداری، چند فروند بالگرد ویژه عملیات را نیز هدف قرار داده و تعدادی از تروریست‌های آمریکایی هلاک شده‌اند. جدا از میزان دقیق خسارات واردشده، نفس انتخاب چنین هدفی نشان می‌دهد تهران تلاش کرده پاسخ خود را بر یک نقطه دارای ارزش عملیاتی و راهبردی متمرکز کند. در واقع، اگر حمله بمپور با هدف افزایش هزینه‌آسانی برای ایران انجام شد، پاسخ در تفت نیز در صدد افزایش هزینه نظامی و امنیتی برای آمریکاست.

۱- **ایران حمله به نیروهای خود را بی‌پاسخ نمی‌گذارد**

از منظر بازدارندگی، مهم‌ترین پیام این عملیات آن است که ایران قصد ندارد حملات علیه نیروهای خود را بدون پاسخ بگذارد. مفهوم بازدارندگی تنها به داشتن توان نظامی وابسته

نیست، بلکه به اراده استفاده از آن نیز بستگی دارد. هرگاه یک بازیگر منطقه‌ای نشان دهد قادر است در زمان و مکان مورد نظر خود پاسخ دهد، محاسبات طرف مقابل پیچیده‌تر می‌شود. حمله به تفت در همین چارچوب، تلاشی برای انتقال این پیام بود که هرگونه اقدام علیه نیروها و منافع ایران می‌تواند با واکنش مستقیم مواجه شود. نکته مهم دیگر، عنصر غافلگیری در این عملیات است. تفت در طول دوره‌های قبل تنش و حتی در جنگ ۴۰ روزه نیز هدف قرار نگرفته بود. به همین دلیل احتمالاً در فهرست اهداف فوری ایران قرار نداشت و همین مساله می‌توانست سطح آمادگی نیروهای مستقر در آن را کاهش دهد. در جنگ‌های معاصر، غافلگیری همچنان یکی از مؤثرترین عوامل موفقیت عملیات محسوب می‌شود و انتخاب هدفی که کمتر انتظار حمله به آن وجود دارد، می‌تواند آثار روانی قابل توجهی بر جا گذارد.

۲- **پیام منطقه‌ای**

این حمله همچنین حامل پیام‌های منطقه‌ای مهمی بود. نخستین مخاطب آن، آمریکا بود اما کشورهای منطقه نیز به دقت تحولات را دنبال می‌کنند. انتخاب خاک سوریه برای پاسخ به حمله آمریکا نشان داد میدان تقابل ۲ طرف صرفاً محدود به اطراف ایران نیست و هر نقطه‌ای که نظامیان تروریست آمریکایی در آن حضور دارند، می‌تواند به بخشی از معادله بازدارندگی تبدیل شود. این مساله به‌ویژه برای پایگاه‌های نظامی آمریکا در غرب و آسیا اهمیت دارد و می‌تواند بر آرایش نیروها و محاسبات امنیتی واشنگتن تأثیر بگذارد.

۳- **حساسیت تهران به دمشق**

از سوی دیگر، این عملیات پیامی برای بازیگران مختلف حاضر در سوریه نیز داشت. سوریه طی سال‌های اخیر به یکی از پیچیده‌ترین میدان‌های رقابت منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است. حضور آمریکا، رژیم اشغالگر قدس، ترکیه، روسیه و گروه‌های متعدد مسلح، این کشور را به صحنه‌ای چندلایه

اولین و ضروری‌ترین اقدام، در کنار بسته ماندن تنگه هرمز، به تعطیلی کشتانند کامل بندر فجیره است. فجیره امارات، مهم‌ترین و راهبردی‌ترین مسیر جایگزین صادراتی نفت برای امارات در شرایط بسته بودن تنگه هرمز است. این بندر با خطوط اولیه مستقیم به میدان‌های نفتی متصل است و می‌تواند نقشی کلیدی در دور زدن تنگه هرمز داشته باشد. تعطیل کردن فجیره، ضربه‌ای اساسی و جبران‌ناپذیر به اقتصاد نفتی همپیمانان آمریکا وارد خواهد کرد و نشان می‌دهد کشتیرانی در منطقه، به برای همه خواهد بود یا هیچ‌کس.

دومین اقدام کلیدی، قطع خط لوله بندر ینبع است. این خط لوله حیاتی، مهم‌ترین مسیر انتقال نفت عربستان از شرق به غرب آن کشور است و در شرایط مسدود بودن تنگه هرمز، نقش اصلی را در صادرات نفت سعودی بدون نیاز به تردد از تنگه هرمز ایفا می‌کند. قطع آن، صادرات نفت عربستان را به‌شدت فلج خواهد کرد و فشار اقتصادی سنگینی بر ریاض، به عنوان یکی دیگر از میزبانان اصلی آمریکایی‌ها در منطقه وارد می‌آورد.

سومین اقدام، مسدود کردن تنگه باب‌المندب توسط انصارالله یمن است. بر اساس شواهد موجود، همچنین گزارش رپوتیز، انصارالله کاملاً آماده است در صورت حمله آمریکا به زیرساخت‌های حیاتی ایران، این تنگه را ببندد. انصارالله تاکنون نشان داده هم اراده لازم و هم توانمندی نظامی کافی را برای اجرای این تهدید دارد و این اقدام می‌تواند به مثابه مکمل بسته شدن تنگه هرمز عمل کرده و زنجیره تأمین انرژی اروپا و آمریکا را بیش از پیش مختل کند.

■ **اهداف بالقوه: زیرساخت‌های حیاتی کشورهای میزبان**

علاوه بر اینها، ایران گزینه‌های متعدد و مؤثری برای پاسخ متناسب در اختیار دارد. نیروگاه‌ها و تأسیسات آب‌شیرین‌کن الزور در کویت، پراکه در امارات، رأس‌الخیر و الشعبیه در عربستان، الدور در بحرین، ام‌الحول و رأس لفان در قطر و عقبه و السمرا در اردن، از جمله مهم‌ترین اهدافی هستند که تأمین برق و آب شیرین این کشورها را بر عهده دارند. هدف قرار دادن این تأسیسات، بدون آسیب مستقیم به جمعیت غیرنظامی، می‌تواند فشار بی‌سابقه‌ای بر دولت‌های متخاصم وارد کرده و هزینه میزبانی از آمریکا را برای آنها غیرقابل تحمل کند.

خویشتن‌داری در برابر میزبانی کشورهای عرب از حملات آمریکا به ایران، دیگر جایز نیست. تهران باید با تغییر واقعی معادلات، از فجیره و ینبع گرفته تا باب‌المندب و زیرساخت‌های حیاتی منطقه، به همه طرف‌ها نشان دهد هزینه ماجراجویی جدید برای آمریکا و حمایتش بسیار سنگین خواهد بود.

از رقابت‌های ژئوپلیتیک بدل کرده است. در چنین فضایی، حمله به تفت نشان می‌دهد ایران همچنان نسبت به تحولات سوریه حساسیت ویژه‌ای دارد. ۴- **بازارهای جهانی**

بعد اقتصادی ماجرا نیز قابل توجه است. در بیانیه سپاه بر کنترل تنگه هرمز و امکان جلوگیری از صادرات نفت و گاز تأکید شده است، طرح این موضوع در متن یک بیانیه نظامی نشان می‌دهد تهران تلاش دارد میان امنیت منطقه و امنیت انرژی جهانی پیوند برقرار کند. پیام اصلی چنین موضعی آن است که بی‌ثباتی و درگیری در منطقه می‌تواند مستقیماً بر بازار جهانی انرژی اثر بگذارد و هزینه‌های درگیری را برای تمام ابعاد نظامی و سیاسی، مهم‌ترین نکته در این تحولات، مدیریت چرخه تشدید تنش است. تاریخ روابط ایران و آمریکا نشان می‌دهد هر اقدام نظامی می‌تواند زمینه‌ساز واکنش متقابل و ورود به دور جدیدی از درگیری‌ها شود. از این رو، هرچند عملیات‌های انتقامی ممکن است از منظر بازدارندگی ضروری تلقی شود اما همزمان خطر گسترش دامنه بحران را نیز افزایش می‌دهد. هنر راهبردی ایران در چنین شرایطی، آن است که اعتبار بازدارندگی خود را حفظ کند. در مجموع، حمله به پایگاه تفت را باید فراتر از یک اقدام تلافی‌جویانه صرف ارزیابی کرد. این عملیات حامل پیام‌هایی چندوجهی درباره توان پاسخگویی ایران، اهمیت خون سربازان شهید، تلاش برای حفظ بازدارندگی، تأثیرگذاری بر محاسبات آمریکا و نمایش دامنه نفوذ منطقه‌ای تهران بود. در مقابل، حمله به آسیاشگاه سربازان نیز نشان داد جنگ‌های امروز تنها در میدان نبرد جریان ندارد، بلکه افکار عمومی، انسجام اجتماعی و روحیه ملی نیز به بخشی از صحنه تقابل تبدیل شده است. نتیجه نهایی چنین رویارویی‌هایی نه فقط به قدرت نظامی، بلکه به توانایی طرفین در مدیریت افکار عمومی، حفظ انسجام داخلی و شکل دادن به معادلات سیاسی آینده وابسته خواهد بود.